

همگی را جوانان عزیزه که پریند و داجسمه در دست داشت
همینا به همی تا فرزند عزیزم تبریک میدیم. ترجمه میکنم
به همگی که خود را بریند، به آنان وفادار باشید و خدایتان
در دست یگانه شریک بریند. از لاله قاتون در دست
زندگی شریک بریند باشید و لاله را که در دست
نارینه ببرید. خداوند بر شاه خدایتی بر شاه می د
عنه، روحی فرماید و لاله زندگیتان را با فرزند
نزدت و حال، گرمی و دشتی نمیشد. ایشا به
سعدی صا



گزیده‌ای از رهنمودهای
حضرت آیت الله العظمی
سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی
به زوج‌های جوان



گزیده‌ای از رقص و محاسن
عشرت آینه‌ی عالمی
مکتب‌های علمیه‌ای و تدریس
و غیره در محفل انقلاب اسلامی
به زوج‌های جوان

گردآورنده: محمدجواد حاج علی‌اکبری
ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی
(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۵۱-۷۵-۸

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد، شماره‌ی ۷

تلفن: ۶۶۴۱۰۶۴۹ -- تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۸۳۹۷۵

تهران، صندوق پستی: ۶۱۳ - ۱۳۱۸۵ - سامانه‌ی پیامکی: ۱۲۰ ۲۰ ۱۰۰۰

http://khameneibook.ir - پست الکترونیکی: Book@khamenei.ir

سخن ناشر

نیاز انسان به زندگی اجتماعی و تشکیل خانواده، نیازی فطری است؛ و تطابق نیازهای درونی و امکانات بیرونی - که از مصادیق تام حکمت الهی است - این امکان را فراهم آورده تا انسانها با روی آوردن به ازدواج، به این میل باطنی و خواسته طبیعی خویش پاسخ دهند. تعلیمات دینی، از جمله آیات قرآنی، در تبیین فلسفه ازدواج به همین اصل توجه داشته و پیوند زناشویی را که از زیباترین لحظات زندگی زنان و مردان است، از آیات الهی و منشأ آرامش و آسایش می‌داند:

و من آیاته أن خلق لكم من أنفسكم أزواجاً لتسكنوا إليها...^۱
و بقای نسل را نتیجه این امر مبارک و میمون می‌شمارد:
والله جعل لكم من أنفسكم أزواجاً و جعل لكم من أزواجكم بنین و حفدة...^۲

رسول اکرم(ص) نیز ازدواج را سنت خویش خوانده تا با انتساب این کار به خود، بر ارزش آن بیفزاید و اهمیت آن را بر پیروان خویش بیشتر بنماید و بر انجام دادن به موقع آن تأکید ورزد؛ و این سنت طبیعی را با سنت الهی به هم آمیزد تا مسلمانان به انگیزه پاداش و ثواب نیز به این کار رغبت مضاعف ورزند و با تشکیل خانواده، در تربیت انسانهای بافضیلت، متدین، سالم و عاطفی بکوشند.

دینی شدن ازدواج در مکتب اسلام، پیوند زناشویی زن و مرد را از سایر اقوام و ملل ممتاز گردانیده است؛ خواندن صیغه عقد اگرچه از سوی مرد و زن می‌تواند جاری شود، اما اعتقاد عموم مؤمنین بر آن است که برای تحکیم پیوند و افزایش

۱. سوره روم، آیه ۲۱.

۲. سوره نحل، آیه ۷۲.





برکت زندگی، این کار را به وکالت به عالمی آشنای با شریعت و صاحب نفسی اهل حقیقت بسپارند تا به برکات آنفاس قدسی آن وجود الهی، خاطره‌ای خوش از آغاز زندگانی در دل نگاه دارند و نصایح و پندهای او را آویزه گوش جان نمایند.

این کتاب، مجموعه‌ای است از پندها و نصایح مقام معظم رهبری به زوجهای جوانی که توفیق یافته‌اند پیوند زناشویی خود را با آهنگ کلام ایشان، هماهنگ کنند و در آغاز زندگی از سرچشمه فیض و حکمت آن عالم عارف بهره‌گیرند.

ایشان در مقام پدری مهربان، مرادی دستگیر، اندیشمندی دورنگر و ژرف‌اندیش و رهبر و راهنمایی فرزانه، در پس و پیش خواندن خطبه عقد، آمیخته‌ای از حکمت‌های نظری و عملی را با زبانی ساده و صمیمانه به هم آمیخته و شربتی به شیرینی زندگی اهل ایمان برایشان تدارک دیده و حکیمانه در کام تشنه آنها فرو ریخته است.

به منظور بهره‌مندی همگان از این جاری زلال، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی مصمم گردید تا نسبت به تدوین و تنظیم، چاپ و انتشار سخنان معظم‌له در این گونه «مراسم» اقدام نماید، که این تصمیم با همت والای حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمدجواد حاج‌علی‌اکبری، عملی گردید و اینک آن مجموعه با عنوان «مطلع عشق» به نسل جوان و خواهندگان زندگی بانشاط تقدیم می‌گردد.





بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله اقراراً بنعمة ولااله الا الله اخلاصاً لوحدايته والصلوة والسلام على اشرف بريته وعلى الأصفياء من عترته. وبعد فقد كان من فضل الله على الأنام أن أغناهم بالحلال عن الحرام فقال و
انكحوا الأيتامى منكم والصلّاحين من عبادكم وامائكم إن يكونوا
فقراء يغنهم الله من فضله والله واسع عليم. وقال رسول الله (ص):
من تزوج احرز نصف دينه، فليتنق الله في النصف الآخر.
وقال (ص):
النكاح سنتي فمن رغب عن سنتي فليس مني.

فهرست مطالب

ديباچه	۱۷
کلام اول: ازدواج؛ ناموس طبيعت، دستور شريعت	۲۱
اشاره	۲۳
هدف زندگي	۲۵
ازدواج، يک ارزش اسلامي	۲۶
خدواند اصرار دارد	۲۷
خداوند از زن و مرد تنها خوشش نمي آيد	۲۸
سنت پيامبر: ازدواج به موقع	۲۹
ازدواج در حال شور و شوق	۳۰
ازدواج در آغاز احساس نياز	۳۱
برکات و فوايد ازدواج	۳۲
شرائط کمالی ازدواج	۳۳
کفو بودن از نظر اسلام	۳۴
هشيار عاقل يا مست غافل	۳۵
شکر نعمت ازدواج	۳۶
مال و جمال، يا کمال؟ کدام انگيزه؟	۳۷
روش اسلام بهتر است	۳۸
به همين آساني!	۳۹
مهم ترين فايده	۴۰
کلام دوم: کانون گرم خانواده	۴۳
اشاره	۴۵
کلمه طيبه يا نهاد پاک	۴۷
سلول اصلي پيکره اجتماع	۴۸



- خانواده سالم، جامعه سالم ۴۹
- جامعه بی خانواده، خاستگاه مشکلات روانی ۵۰
- نسلهای بی حفاظ ۵۱
- مختصات خانواده خوب ۵۳
- خانواده سالم، انتقال فرهنگ ۵۴
- خانواده سالم، آرامش افراد ۵۵
- انسان که ماشین نیست! ۵۷
- خانواده آرامتر با بهره‌وری بیشتر ۵۹
- فرصتی برای تجدید قوا ۶۰
- احترام به قرارداد زناشویی ۶۱
- غریزه جنسی، نیاز متقابل ۶۲
- تدین؛ رمز مانایی خانواده ۶۳
- نقش زن و شوهر ۶۴
- خانواده در جوامع اسلامی ۶۵
- خانواده ایرانی، الگوی جهانی ۶۶
- کلام سوّم: غروب عشق و قحطی عاطفه در غرب** ۶۷
- اشاره ۶۹
- نسل بی هویت ۷۱
- گناه کبیره غرب ۷۲
- نه انس، نه همسری، ۷۳
- آزادی جنسی، فروپاشی خانواده ۷۴
- عشق مصنوعی ۷۵
- پیامدهای ازدواج به سبک غربی ۷۶
- غرب، در سراشیبی سقوط ۷۷
- دربه‌در به دنبال آرامش ۷۸
- گوش شنوا کو؟! ۷۹
- هدف شوم؛ راهکار شیطانی ۸۰
- فقط یک کلمه درباره خانواده ۸۱
- کلام چهارم: حقوق متقابل زن و شوهر** ۸۳
- اشاره ۸۵
- مثل دو نفر شریک، مثل دو نفر رفیق ۸۷
- مرد قوام است و زن ریحان ۸۸





- جابه‌جایی نقشها ممنوع! ۸۹
- زن، گُل است نه کارپرداز شما ۹۰
- مرد باید برود کار کند ۹۱
- نه مردسالاری و نه زن‌سالاری ۹۲
- تفاوت طبیعی زن و مرد ۹۳
- دو نگاه متفاوت، هر دو زیبا ۹۴
- حقّ واقعی، حقّ خیالی ۹۵
- بازی غرب ۹۶
- مرد باید ضرورت‌های زن را درک کند ۹۷
- زنِ هوشمند، مرد را اداره می‌کند ۹۹
- رهنمود اوّل: همسفر تا بهشت** ۱۰۱
- اشاره ۱۰۳
- مفهوم خوشبختی ۱۰۵
- همدیگر را بهشتی کنید! ۱۰۶
- همدیگر را خوشبخت کنید! ۱۰۸
- تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر ۱۰۹
- مثل یک پرستار نه آقا بالاسر ۱۱۰
- مراقبت اخلاقی ۱۱۱
- رهنمود دوّم: بالاتر از واقعیت** ۱۱۳
- اشاره ۱۱۵
- بالاتر از واقعیات زندگی ۱۱۷
- اصل قضیه، عشق است ۱۱۸
- هر چقدر بیشتر، بهتر ۱۱۹
- از محبّت خاها گل می‌شود ۱۲۰
- محبّت، دستوری و سفارشی نیست ۱۲۱
- عشق‌بازی دِگر و نفس‌پرستی دِگر است ۱۲۲
- گام اوّل: احترام متقابل ۱۲۳
- گام دوّم: اعتمادسازی ۱۲۴
- وفاداری کن تا جلب اعتماد کنی! ۱۲۵
- اعتماد، قراردادی نیست ۱۲۶
- ذوب کدورتها در لابه‌لای محبّتها ۱۲۷
- بزرگ‌ترها هم کمک کنند ۱۲۸



- رهنمود سوم: هنر تقسیم کار ۱۲۹
- اشاره ۱۳۱
- تقسیم کارها ۱۳۳
- به هم روحیه بدهید ۱۳۴
- زمینه‌سازی برای موفقیت ۱۳۵
- شرط مهم فعالیت اجتماعی خانمها ۱۳۶
- تشویق یکدیگر در میدان مسابقه خیرات ۱۳۷
- غمخواری، کمک واقعی ۱۳۹
- اهمیت فراوان مدیریت کدبانو ۱۴۰
- بچه‌داری، هنر بزرگ ۱۴۱
- جمع بین کار و زندگی ۱۴۲
- زن، قوی‌تر از مرد است! ۱۴۳
- به حضرت زهرا(س) بنگرید ۱۴۴
- رهنمود چهارم: سازش و سازگاری ۱۴۵
- اشاره ۱۴۷
- امام(ره) فرمودند: بروید با هم بسازید ۱۴۹
- سازگاری یعنی چه؟ ۱۵۰
- یک تعبیر خوب اروپایی ۱۵۲
- هیچ انسانی بی عیب نیست! ۱۵۳
- علت متلاشی شدن بنیان خانواده ۱۵۴
- سازگاری دوطرفه ۱۵۵
- رهنمود پنجم: زندگی شیرین ۱۵۷
- اشاره ۱۵۹
- شکر عملی مهم است ۱۶۱
- اسرار زندگی را محکم نگهدارید ۱۶۲
- غمخوار هم باشید ۱۶۳
- ساده‌زیستی و میانه‌روی ۱۶۴
- مسابقه بدون برنده ۱۶۵
- قناعت برای همه مفید است ۱۶۷
- از مراسم عروسی آغاز کنید ۱۶۹
- حال پدر و مادر را رعایت کنید ۱۷۰
- حجاب و عفاف ۱۷۱





- رهنمود هشتم: هشدارها و یادآوریها..... ۱۷۳
- اشاره..... ۱۷۵
- حسادت و غیرت یکدیگر را تحریک نکنید!..... ۱۷۷
- تحقیق همسر، آغاز فروپاشی خانواده..... ۱۷۸
- ایده‌آل‌خواهی افراطی..... ۱۷۹
- معاشرتهای غیرشرعی..... ۱۸۰
- حریم‌داری و عفاف، سپر خانواده..... ۱۸۱
- رهنمود هفتم: آسان‌گیری..... ۱۸۳
- اشاره..... ۱۸۵
- الف: مراسم (تشریفات)..... ۱۸۹
- تشریفات ساده ازدواج اسلامی..... ۱۸۹
- عقد اسلامی یا عقد جاهلی..... ۱۹۰
- آسان بگیرد، خداوند کفایت می‌کند..... ۱۹۱
- با شادی و میهمانی موافقیم، با اسراف نه..... ۱۹۲
- این هتلهای و سالنهای پرخرج، عروسی را شیرین نمی‌کند..... ۱۹۳
- اشتباه بعضی از مسئولین..... ۱۹۵
- این، آبرو و عزت نیست..... ۱۹۶
- اهل تجمل حسابشان خیلی سخت است..... ۱۹۷
- زحمت ببخودی..... ۱۹۸
- از خاندان پیامبر(ص) تقلید کنید..... ۱۹۹
- لباس عروس کرایه‌ای..... ۲۰۰
- ب: مهریه، نشان ارادت یا قیمت‌گذاری؟..... ۲۰۱
- پیامبر اکرم(ص) سنت مهریه جاهلی را شکست..... ۲۰۱
- چرا اصرار بر ۱۴ سکه..... ۲۰۳
- مهریه بالا بی‌احترامی به دختر است..... ۲۰۴
- مهرم حلال، جانم خلاص..... ۲۰۵
- مهریه بالا، سد راه ازدواج جوانان..... ۲۰۶
- ج: جهیزیه، توشه زندگی یا بهانه فخرفروشی؟..... ۲۰۷
- عزت دختر به اخلاق است نه جهیزیه..... ۲۰۷
- چشم و هم‌چشمی و معضل جهیزیه..... ۲۰۸
- به فکر دیگران هم باشید..... ۲۱۰
- جهیزیه بهترین عروس عالم..... ۲۱۱





- عروس خانمها شما نگذاريد..... ۲۱۳
- سخن آخر..... ۲۱۵
- جلسه عقد به پايان مي رسد!..... ۲۱۷
- پي نوشتها..... ۲۱۹

ديباچه

هوالكريم الودود...

لحظات سخت انتظار رو به پايان است، انتظاری شیرین در آستانه دو رؤیای شورانگیز که یکجا تعبیر خواهد شد. جوانانی مؤمن و نورانی که در آستانه پیوند الهی و آسمانی خود قرار دارند. میثاقی که همه فرداهای آنان را به هم پیوند خواهد زد. گرهی که دو سرنوشت را به هم درمی آمیزد. در یکسو، جمعی از عروسه‌های جوان، لبریز از عاطفه و احساس و پُر از ناز و حیا، چشم به جاده زندگی با آرزوهای رنگارنگ، در یکسو دامادهای جوان، مصمم و پرامید، غرق عشق و شیدایی، چشم به هدفهای دور و دغدغه‌مند فراز و نشیبهای زندگی و در سوی دیگر چشمان پر از مهر و آکنده از اشک شوق و دلهای غرق شادمانی و سرور پدران و مادرانی که لحظه پیوند گل‌های بوستان زندگی‌شان را انتظار می‌کشند. و همه منتظر و چشم به راه آمدن «او» هستند. «او» که با سرانگشت کلام آسمانی خود دلهای این دلبران را برای همیشه به هم پیوند خواهد زد.

چه میثاق پرفروغی! انجام فرمان الهی^۱ و تماشای یکی از زیباترین نشانه‌های خالق زیباییها، هماهنگ با سنت نبوی(ص) و شیوه علوی(ع)^۲.

دلهای لبریز از مودت خاندان پیامبر(ص) که در روزهایی میمون و مبارک، برای فلاح و خوشبختی با یکدیگر پیمان می‌بندند. دو پرستو که بال در بال هم، پروازی را تا آشیان قدس

۱. وانكحو الايامی منكم والصالحين من عبادكم و إيمانكم... سورة نور، آیه ۲۳
۲. و من آیاته أن خلق لكم من أنفسكم أزواجا لتسكنوا إليها و جعل منكم مودة و رحمة... سورة روم، آیه ۲۱
۳. النكاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰



و بهشت رضوان آغاز می کنند.

همچنان که در شریعت مصطفوی (ص)، بنای «ازدواج» بر آسان گرفتن است، در عقد نیز تکلفی وجود ندارد. عروس و داماد هم می توانند با رعایت شرایط، صیغه عقد را بخوانند؛ اما همه معتقدند که برای تحکیم پیوند و افزایش برکت و شگون زندگی چه خوب است این مرحله را به کسی بسپارند که هم عارف به آداب شریعت باشد و هم صاحب جانی پاک و نفسی مقدس، تا میمنت وجود او چراغ عشقشان را روشن تر و حلاوت حضور «او» صحنه زندگی شان را شیرین تر نماید.

و چه سعادتی! اگر مؤسس این بنیان، ولی فقیه زمان، محبوب دلهای مؤمنان و نایب امام عصر - عجل الله تعالی فرجه شریف - باشد.

سالهاست که این افتخار بزرگ شامل حال جماعتی از زوجهای جوان می شود. و بدینسان برای آنها که این توفیق شامل حالشان می شود، به یک کرشمه دو کار برمی آید و به یک غمزه دو شکار!

شخص باصفایی جلوی جماعت قرار می گیرد. همه عقدنامه ها همراه با یک دفتر همراه اوست. یک به یک نام همه عروسها و دامادها را می خواند و تذکرات لازم را می دهد. وجه مشترک همه عقدنامه ها در میزان مهریه است. «۱۴ سکه» فقط. و البته برخی به همراه آن، سفر به خانه خدا و عتبات عالیات و یا هدیه ای معنوی را نیز مطابق سلیقه و توافق آورده اند. این، شرط حضور در چنین مجلسی است. او به تذکرات خود ادامه می دهد: «آقا، وکیل عقد از سوی عروس خانمها هستند و جناب آقای محمدی گلپایگانی، از دامادها وکالت خواهند گرفت.» عروسها از این موهبت الهی احساس کرامت و سرافرازی می کنند و زیر چشم به دامادها فخر می فروشند. دامادها اندکی دلخور می شوند، ولی بعد با توجه به اینکه اصل قضیه همان «أنکحت» است که «آقا» می گوید، خودشان را آرام می کنند. به هر حال معلوم می شود از همین اول باید هوای خانم را داشت!

همه چیز مهیاست...!

و لحظاتی بعد... پرده کنار زده می شود و سیمای پرنور نایب مهدی - عجل الله تعالی فرجه الشریف - با هاله ای زهرایی (س) و لبخندی آسمانی بر جمع طلوع می کند. سرود جاودانی صلوات





بر لبها و جاری اشک شوق در چشمها حکایت دل‌های شیدایی است که شاکرانه لحظه‌های شیرین وصال را جشن گرفته‌اند. «آقا» با چشمان مهربانشان همه جمع را سیر می‌کنند و به حاضران خوش‌آمد می‌گویند.

مطابق با شیوه این محافل، ابتدا رهبر حکیم در جملاتی کوتاه و نغز، پدران و مُشفّقانه، گوهرهایی پراج از حکمت‌های ناب و درس‌های زندگی را به رهروان جاده خوشبختی هدیه می‌دهند.

و من، سرخوش از جام‌های حکمت و شادکام از توفیق حضور در این محفل عرشی، با خود می‌گویم، کاش همه عروس‌ها و دامادهای سرزمین ایمان - که فرزندان معنوی این پدر مهربان و حکیم‌اند - در آغاز راه زندگی از این حکمت‌ها بهره می‌بردند و برای سفر طولانی و پرمخاطره خود از این خوان کرم توشه‌ای برمی‌گرفتند.

بعد از بیان نکته‌ها، محبوب دل‌ها، از یک‌یک عروس‌خانم‌ها وکالت می‌گیرند. این‌جا دیگر کسی برای «بله» گفتن ناز نمی‌کند. بعد از چند نفر، آقا نام عروس دیگری را می‌خوانند و با ذکر مهریه و یادآوری شروط، از او وکالت می‌خواهند... برخلاف رویه دختر سکوت می‌کند. جمع در حیرتی سنگین فرومی‌رود. آقا اندکی درنگ می‌کنند؛ «اگر وکالت ندهید عبور می‌کنم...» دختر در حالی که بغض گلویش را می‌فشارد، لب باز می‌کند: «آقا جون شرط داره!» تعجب حاضران بیشتر می‌شود. «چه شرطی دخترم؟» «به شرط اینکه شما من و پدرم را در روز قیامت شفاعت کنید.» و کسی از کنار جلسه ادامه می‌دهد: «آقا! ایشان دختر سردار رشید سپاه اسلام، شهید... هستند.» جمع منقلب می‌شود. آقا متواضعانه می‌فرمایند: «دخترم! پدر عزیز شهید شماست که باید از همه ما شفاعت کند!» مجلس با یاد لاله‌های زهرایی (س) حال و هوای دیگری می‌گیرد. بهتر از همیشه می‌توان حضور آن عرشیان را احساس کرد. اکنون آقای محمّدی هم از دامادها وکالت گرفته‌اند و همه چیز برای اجرای صیغه عقد آماده است.

بسم الله و بالله و علی سَنَةِ رسول الله و علی منهاج امیرالمؤمنین...

اینک خداوند مهربان را شاکرم که آرزوی مرا در آن محفل



شیرین به فضل و کرمش برآورده ساخت و با همت دوستان عزیزم «مطلع عشق» برای همه طالبان نیک‌بختی مهیا و در دسترس قرار گرفت. و اما چند نکته درباره این مجموعه:

اول: این «مجموعه» شامل چهار کلام و هفت رهنمود است. کلامها در حقیقت ره‌توشه نظری به‌شمار می‌روند. در کلامها، با دانستیهای ضروری درباره ازدواج و خانواده آشنا می‌شویم. و در رهنمودها، مهارت‌های زندگی شیرین در پرتو آموزه‌های اسلامی را فرا می‌گیریم. در آغاز هر کلام و رهنمود، پنجره‌ای (اشاره) گشوده‌ایم تا به تماشای بهتر این بوستان معانی کمک کند. در انتخاب عنوان برای فرازهای گوناگون نیز کوشیده‌ایم تا در حد امکان منعکس‌کننده مقصود اصلی متن باشد، و در همه حال سعی بر این بوده است تا حال و هوای صمیمی جلسات حفظ و منتقل شود.

دوم: نکته‌های حاضر از مجموعه سخنان رهبر عالی‌قدر در جلسات عقد، طی یک دهه گذشته، فراهم آمده است و گزارشی از این خطبه‌ها به حساب می‌آید. رهبر عزیز ما در این مجالس در مقام بیان همه دیدگاههای خود درباره ازدواج و خانواده نبوده‌اند، بلکه به مناسبت آغاز زندگی جمعی از فرزندان، آنچه را که اسرار کامیابی آنان می‌دانسته‌اند، صمیمانه تذکر داده‌اند.

اگرچه مخاطب این نکته‌ها در اکثر موارد جوانان آغازگر راه زندگی مشترک هستند، در عین حال، برای آنان که سالهایی از شروع زندگی‌شان می‌گذرد نیز سودمند و راهگشاست. در این مجموعه پدران و مادران نیز با نگاه ناب اسلامی درباره ازدواج، بیشتر آشنا می‌شوند و به‌ویژه مخاطب رهنمود هفتم، آنان هستند.

سوم: در پایان از همه عزیزانی که اینجانب را در تدوین این مجموعه گران‌بها یاری رساندند، به‌ویژه از مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که منابع اصلی را در اختیار نهادند، تشکر می‌کنم. تلاش خالصانه این عزیزان را ارج می‌نهم و برایشان آرزوی موفقیت می‌کنم.

محمدجواد حاج‌علی‌اکبری





اشاره

اينک لحظه پرشکوه يک پيوند آسمانى از راه رسيده است.
دو رهرو جوان مى خواهند بر اساس خواست و رضاى
خداوند، دست در دست هم، راه زندگى را به سوى هدف والائى
آن سیر کنند.

راستى! اين چه ميثاق عميق و مهمى است!
طبع و غريزه، «زوج» مى خواهد. روان پرتلاطم «همسر»
مى طلبد. روح بى قرار، بدون «او» احساس نقصان و کمبود
مى کند. خداوند هر يک را بدون ديگرى نمى پسندد و پيامبر(ص)
«زدواج» را سنت خویش و راه رسيدن به رضاى الهى و صيانت
بخشيدن به نيمى از دين معرفى مى کند.
مى خواهند بيشتر بدانند تا با هشياري «بله» بگويند.
شنيدن از اين «سيد» چقدر مغتنم است.
خوشا به حالشان!

هدف زندگی

زندگی یک کاروان طولانی است که منازل و مراحل دارد، هدف والایی نیز دارد. هدف انسان در زندگی باید این باشد که از وجود خود و موجودات پیرامونش برای تکامل معنوی و نفسانی استفاده نماید.

اصلاً ما برای این به دنیا آمده‌ایم. ما در حالی وارد این دنیا می‌شویم که از خود اختیاری نداریم. کودکی و تحت‌تأثیر هستیم، اما تدریجاً عقل ما رشد می‌کند و قدرت اختیار و انتخاب پیدا می‌کنیم. این‌جا، آن‌جایی است که لازم است انسان درست بیندیشد و درست انتخاب کند و براساس این انتخاب حرکت کند و به جلو برود.

اگر انسان این فرصت را مغتنم بشمرد و از این چند صبحی که در این دنیا هست خوب استفاده کند و بتواند خودش را به کمال برساند، آن روزی که از دنیا خارج می‌شود، مثل کسی است که از زندان خارج شده و از این‌جا زندگی حقیقی آغاز می‌شود.^(۱)

ازدواج، یک ارزش اسلامی

مطلب اصلی و اول، این است که این ازدواجی که خدای متعال سنت قرار داده و آفرینش هم آن را اقتضا می‌کند، یکی از نعمتها و اسرار الهی و یکی از پدیده‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی بشری است.

می‌شد که خداوند در قوانین آسمانی، این موضوع را لازم، واجب و حتمی و یا مجاز کند و مردم را رها کند تا یکی یکی بروند و با هم ازدواج کنند، اما این کار را نکرده است. بلکه ازدواج را یک ارزش قرار داده، یعنی کسی که ازدواج نمی‌کند خود را از این ارزش محروم نموده است.^(۲)

خدواند اصرار دارد

از نظر اسلام، تشکیل خانواده یک فریضه است. عملی است که مرد و زن باید آن را به عنوان یک کار الهی و یک وظیفه انجام بدهند. اگرچه شرعاً در زمره واجبات ذکر نشده، اما به قدری تحریص و ترغیب شده است که انسان می‌فهمد خدای متعال بر این امر اصرار دارد، آن هم نه به عنوان یک کارگزاری، بلکه به عنوان یک حادثه ماندگار و دارای تأثیر در زندگی و جامعه. لذا این همه بر پیوند میان زن و شوهر تحریص کرده و جدایی را مذمت نموده است.^(۳)

خداوند از زن و مرد تنها خوشش نمی‌آید

خداوند متعال از زن و مرد تنها خوشش نمی‌آید، مخصوصاً آنهایی که جوانند و بار اولشان است. مخصوص جوانها هم نیست. خدای متعال از زندگی مشترک و مزدوج خوشش می‌آید.^(۴) آدم تنها، مرد تنها و زن تنها که همه عمر را به تنهایی می‌گذرانند، از دید اسلام یک چیز مطلوبی نیست. مثل یک موجود بیگانه است در مجموعه پیکره انسانی. اسلام این‌طور خواسته که خانواده، سلول حقیقی مجموعه پیکره جامعه باشد نه فرد تنها.^(۵)

سنت پیامبر: ازدواج به موقع

روایت معروفی داریم که پیامبر (ص) فرموده‌اند: نکاح سنت من است. البته این سنت آفرینش است، سنت میان انسانها و همه اقوام و ادیان است. پس چرا فرموده‌اند سنت من؟ چه اختصاصی وجود دارد؟ شاید از این جهت باشد که اسلام بر این امر تأکید بیشتری ورزیده و این تأکید در ادیان الهی دیگر کمتر است. شما ملاحظه می‌کنید این تأکیدی که اسلام بر ازدواج کرده در این مکاتب اجتماعی و فلسفه‌های رایج اجتماعی و سیاستهای معمولی دنیا، وجود ندارد. اسلام اصرار دارد که پسرها و دخترها در همان سنینی که برای ازدواج آماده‌اند ازدواج نمایند.^(۶)

نکاح، علاوه بر یک تقاضای طبیعی، یک سنت دینی و اسلامی نیز هست. بنابراین خیلی آسان است که کسی از طریق این اقدام و عمل که طبیعت و نیاز او آن را ایجاب می‌کند، ثواب هم ببرد؛ چون سنت است و به قصد ادای سنت پیامبر و اطاعت امر ایشان به این کار اقدام نماید.^(۷)

ازدواج یک سنت طبیعی و الهی است. این را پیامبر اکرم (ص) به سنت خودشان تعبیر می‌کنند. معنایش این است که در اسلام بر روی این مسأله تأکید ویژه‌ای شده. چرا؟ به‌خاطر اهمیت این مسأله، به‌خاطر تأثیر عمیق تشکیل خانواده در تربیت انسان، در رشد فضایل، در ساخت و ساز انسان سالم از لحاظ عاطفی، روحی و تربیتهای بعدی.^(۸)

ازدواج در حال شور و شوق

پیامبر اکرم(ص) اصرار داشتند جوانها زود ازدواج کنند - چه دخترها و چه پسرها - البته با میل خودشان و با اختیار خودشان، نه اینکه دیگران برایشان تصمیم بگیرند. ما هم باید در جامعه خودمان این را رواج دهیم. جوانها در سنین مناسب، وقتی از دوران جوانی خارج نشده‌اند، در همان حال گرمی و شور و شوق، باید ازدواج کنند. این برخلاف برداشت و تلقی خیلی از افراد است که خیال می‌کنند ازدواجهای دوران جوانی، ازدواجهای زودرس است و ماندگار نیست. درست برعکس است، این‌طور نیست. اگر درست صورت بگیرد، ازدواجهای بسیار ماندگار و خوبی هم خواهد بود و زن و شوهر در چنین خانواده‌ای کاملاً با هم صمیمی خواهند بود.^(۹)

ازدواج در آغاز احساس نیاز

اسلام اصرار دارد بر اینکه این پدیده در اوان خود، هرچه زودتر از آغاز احساس نیاز انجام گیرد. این هم از اختصاصات اسلام است، هرچه زودتر بهتر. زود که می‌گوییم یعنی از همان وقتی که دختر و پسر احساس نیاز می‌کنند به داشتن همسر؛ هرچه این کار زودتر انجام بگیرد، بهتر است. علت چیست؟ علت این است که اولاً برکات و خیراتی که در امر ازدواج وجود دارد در وقت خود و زودتر از اینکه زمان بگذرد و عمر تلف بشود، برای انسان حاصل خواهد شد. ثانیاً جلوی طغیانهای جنسی را می‌گیرد. لذا می‌فرماید: **من تزوج احرز نصف دینه**^۱. طبق این روایت معلوم می‌شود که نصف تهدیدی که انسان دربارهٔ دین خود می‌بیند از طرف طغیانهای جنسی است که خیلی رقم بالایی است.^(۱۰)

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹

برکات و فواید ازدواج

فرصت ازدواج و آرام گرفتن در یک مجموعه خانواده، یکی از فرصتهای مهم زندگی است. برای زن و مرد - هر دو - این یک وسیله آرامش و آسایش روحی و وسیله دلگرم شدن به تداوم فعالیت زندگی است. وسیله تسلی، وسیله پیدا کردن یک غمخوار نزدیک که برای انسان در طول زندگی لازم است. قطع نظر از نیازهای طبیعی انسان که نیازهای غریزی و جنسی می باشد، مسأله تولید نسل و داشتن فرزند هم خود از دلخوشیهای بزرگ زندگی است.

پس می بینید از هر دو طرف که انسان نگاه می کند، ازدواج یک امر مبارک و یک پدیده بسیار مفید است. البته مهم ترین فایده ازدواج، همان تشکیل خانواده است و بقیه مسائل، فرعی و درجه دو و یا پشتوانه این مسأله است؛ مثل تولید نسل یا ارضای غرایز بشری، اینها همه درجه دو است، درجه اول همان تشکیل خانواده است.^(۱۱)

بنای نسل بشری به ازدواج است. قوام عالم به ازدواج است. انتقال تمدن و فرهنگها به ازدواج است. بقای استقلال جوامع - چه از لحاظ سیاسی و چه از جهات دیگر - به ازدواج است. برکات فراوانی بر ازدواج وارد است.^(۱۲)

شرایط کمالی ازدواج

در شرع آمده که پیوند ازدواج را محکم نگه دارید. بعد هم شرایط زیادی برای ازدواج در همه زمینه‌ها معین کرده است. در زمینه اخلاق و رفتار گفته: وقتی زن گرفتید، وقتی شوهر کردید، باید اخلاقتان را خوب کنید، باید همکاری کنید، باید گذشت کنید، باید محبت کنید، باید او را دوست بدارید و باید به او وفاداری کنید، اینها همه‌اش احکام شرع است، اینها همه‌اش دستورات است.^(۱۳)

و البته از لحاظ شرایط مادی سهل‌ترین است. آنچه که در ازدواج مهم است، رعایتهای بشری و انسانی است. رعایتهای اخلاقی است که دختر و پسر باید با همدیگر تا آخر عمرشان رعایت کنند و رعایت اصلی حفظ این پیوند است.^(۱۴)

شرع مقدس اسلام در روابط اجتماعی، این امر انسانی را امضا کرده، اما شرایطی برای آن قرار داده است. یکی از این شروط این است که این امر انسانی از حالت رابطه انسانی به یک معامله تجاری و بده بستان مالی تبدیل نشود. این را شرع مقدس دوست نمی‌دارد. البته این شرایط، شرایط کمالند نه صحت، اما واقعاً شرط‌اند.^(۱۵)

كُفُو بودن از نظر اسلام

در شرع مقدس اسلام، آنچه که معین شده است این است که دختر و پسر باید کفو یکدیگر باشند. و عمده مسأله در باب کفو، عبارتست از ایمان؛ یعنی هر دو مؤمن، هر دو دارای تقوی و پرهیزگاری و هر دو معتقد به مبانی الهی و اسلامی و عامل به آنها باشند، اینکه تأمین شد، بقیه چیزها اهمیتی ندارد... وقتی تقوی و پاکدامنی و طهارت دختر و پسر معلوم شد، سایر چیزها را خدای متعال تأمین می‌فرماید.

در اسلام، ملاک این همکاری که اسمش زوجیت است، عبارتست از دین و تقوی که: **المؤمن كفو المؤمنة و المسلم كفو المسلمة**^۱. این ملاک دینی است.

البته در این زمینه، هر کس در راه خدا جلوتر، پیشقدم‌تر، فداکارتر، آگاه‌تر و به‌دردبخورتر و برای بندگان خدا نافع‌تر باشد، این بالاتر و بهتر است؛ ممکن است زن در آن حد نباشد، ایرادی ندارد. زن، خودش را به سمت او بکشد. یا زن ممکن است بالا باشد، مرد بقدر او نباشد، پس مرد باید خود را به سمت او بکشد.^(۱۶)

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۷

هشيارِ عاقل يا مستِ غافل

يك وقت انسان ازدواج مى كند و مى گويد: پروردگارا من ازدواج مى كنم - يا روحيه اش اين است، حالا ولو به زبان هم نياورد يا به ذهن هم نگذراند، با اين روحيه - يك نياز طبيعى خودم را برآورده مى كنم. اين نياز طبيعى هم فقط نياز جنسى نيست، بلكه زن و مرد هر دو به اين ازدواج، به اين با هم زندگى كردن، با هم تشكيل خانواده دادن و يك جمع به وجود آوردن، احتياج دارند. اين هم يك نياز است مثل نيازهاى ديگرى كه وجود دارد. مى گويد: پروردگارا من اين نياز را برآورده مى كنم، از تو هم متشكرم كه اين امكان را در اختيار من گذاشتى، اين اجازه را دادى، و اين وسيله را فراهم كردى، همسر خوبى براى من پيدا شد و بعد از اين هم در زندگى جديد، در اين وضع جديد، سعى مى كنم كه آن طور كه تو مى خواهى عمل كنم. اين يك جور ازدواج كردن است. يك وقت هم نه، كسى كه ازدواج مى كند نه قدر خدا را مى داند، نه قدر آن همسر را مى داند، نه قدر اين فرصتى كه برايشان پيش آمده مى داند. مثل آدم مست و غافل. اين جور زندگى اگر هم پايدار بماند، شيرين نخواهد بود، همراه با انجام وظيفه نخواهد بود.^(۱۷)

شکر نعمت ازدواج

اين مرحله از زندگى را كه وارد زندگى مزدوج مى شويد و تشكيل خانواده مى دهيد، يكي از نعمتهاى بزرگ الهى به حساب بياوريد و آن را شکر بگذاريد. همه آنچه كه ما داريم از خداست ما بنا من نعمة فمن الله^۱، اما توجه به اين نعمت خيلى اهميت دارد. خيلى از نعم را انسان توجه ندارد. بعضيها ازدواج مى كنند همه نوع خوبي هم گيرشان مى آيد، زندگى شيرين و خوبي را هم مى گذرانند ولي نمى فهمند كه اين چه نعمت بزرگى است، چه حادثه تعيين كننده و مهمى در زندگى است. وقتى نفهميدند، شكر آن را هم به جا نمى آورند و از رحمت الهى كه با شكر متوجه انسان مى شود، محروم مى مانند. لذا بايد انسان توجه كند به اينكه چه نعمت بزرگى است و شكر اين نعمت چگونه است؟ يك وقت انسان در شكر، فقط به زبان مى گويد كه خدايا شكر و در دل او هم خبرى نمى شود. اين لقلقه زبان است و ارزشى ندارد... اما يك وقت هست كه انسان در دلش حقيقتاً از خداى متعال، سپاسگزار و متشكر است. اين خيلى ارزش دارد. مى فهمد كه خداى متعال نعمتى به او داده و حقيقتاً ابراز تشكر مى كند. اين همان شكر خوب است. منتها وقتى ما از خداى متعالى متشكر شديم، يك عملى، يك حركتى، يك موضع گيرى هم براساس اين تشكر لازم مى آيد كه انجام دهيم. خيلى خوب، حالا كه خداى متعال اين نعمت را به شما داده است، شما بايد چكار كنيد؟ هيچ توقع زيادى از ما نكرده اند... توقعى كه از ما در مقابل اين نعمت دارند اين است كه با اين نعمت خوب رفتار كنيم... اين رفتار خوب را در اسلام معين كرده اند، كه همان اخلاق خانواده و حكمت خانواده است. اينكه در درون زندگى بايد چگونه رفتار كرد كه اين زندگى خوب باشد.^(۱۸)

۱. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۶۹

مال و جمال، یا کمال؟ کدام انگیزه؟

اگر چنانچه کسی به خاطر مال و جمال ازدواج کند، طبق روایت ممکن است خدای متعال مال و جمال را به او بدهد و ممکن هم هست ندهد. اما اگر چنانچه برای تقوا و عفاف قدم بگذارد و ازدواج بکند، خدای متعال به او مال هم خواهد داد، جمال هم خواهد داد. ممکن است کسی بگوید جمال که اعطاکردنی نیست؛ یک کسی یا جمال دارد یا ندارد! معنایش این است که چون جمال در چشم شما و در دل شما و در نگاه شماست، اگر انسان کسی را که خیلی جمیل هم نباشد، دوست داشت او را جمیل می‌بیند. وقتی کسی را دوست نداشت هر چقدر هم جمیل باشد به نظر او جمیل نمی‌آید.^(۱۹)

روش اسلام بهتر است

هم در مسیحیت و هم در یهودیت و هم در ادیان دیگر، این انضباط [ازدواج] به شکلی دیگر البتّه هست. اسلام آنها را هم معتبر دانسته است. آنها را زن و شوهر دانسته است و فرزندان آنها را حلال زاده دانسته است.^(۲۰)

نحوه و نوع ازدواج در اسلام، بهتر از ازدواج بقیّه ادیان و بقیّه ملل است. هم مقدّماتش، هم اصلش و هم ادامه و استمرارش طبق مصلحت انسان گذاشته شده است. البتّه ازدواجهای بقیّه ادیان هم از نظر ما معتبر و محترم است، یعنی، همان عقدی که یک مسیحی در کلیسا یا یک یهودی در کنیسه انجام می دهد یا در هر قوم و ملّتی، هر طوری انجام می شود از نظر ما معتبر است و ما آن را برای خودشان باطل نمی دانیم ولیکن این روشی که اسلام معین کرده، بهتر است. برای مرد حقوقی، برای زن حقوقی، برای زندگی آدابی، برای ازدواج روش و شیوه ای معین کرده است. اصل هم این است که خانواده بماند و خوشبخت باشد.^(۲۱)

به همین آسانی!

در این عقدی که ما می‌خوانیم، در حقیقت دو طرف بیگانه از هم را با همین چند کلمه، با یکدیگر متصل و مرتبط می‌کنیم، بطوری که از همه عالم به هم، محرم‌تر و نزدیک‌تر و مهربان‌تر می‌شوند.

ثانیاً؛ با این عقد یک سلول جدیدی در پیکره اجتماع، ایجاد می‌کنیم که این پیکره اجتماع از سلولهای خانواده‌ها تشکیل شده است.

ثالثاً؛ شما دو نفر هستید، یکی خانم و دیگری آقا که هر کدام نیازهایی دارید به جنس مخالف. آن نیازها را با این چند کلمه «عقد» برطرف می‌کنیم.

این سه کار را ما انجام می‌دهیم. این اول کار است و پایه کار.

از این جا به بعدش به عهده خود شماست. (۲۲)

مهم ترین فایده

مسأله ازدواج و تشکیل خانواده در شرع مقدس امر بسیار مهمی است و فواید بسیاری هم دارد اما، مهم ترین فایده و هدف ازدواج، عبارتست از تشکیل خانواده. نفس این علقه زوجیت و تشکیل یک واحد جدید، مایه آرامش زن و مرد و مایه کمال و اتمام شخصیت آنهاست. بدون آن هم زن و هم مرد ناقصند. همه مسائل دیگر فرع این است. اگر این کانون سالم و پایدار شد، بر روی آینده و بر روی همین وضع فعلی جامعه تأثیر خواهد گذاشت.^(۲۳)

ازدواج، در حقیقت دروازه ورود به تشکیل خانواده است و تشکیل خانواده اساس همه تربیتهای اجتماعی و انسانی است.^(۲۴)

اصل در ازدواج عبارتست از پیوند زناشویی دختر و پسر و تشکیل خانواده. همین قدر که دختر و پسر همدیگر را ببینند و عقد شرعی جاری بشود و اینها با هم زن و شوهر بشوند، یک کانون خانواده بوجود آمده و یک خانواده جدیدی تشکیل شده است. شارع مقدس خانواده مسلمان و سالم را دوست دارد. وقتی خانواده تشکیل شد، برکات زیادی در آن هست، نیازهای زن و شوهر تأمین می شود، نسل بشری ادامه پیدا می کند... اما اصل قضیه، فرزند، زیبایی و ثروت نیست. اصل قضیه این است که دو نفر با هم زندگی مشترکی را تشکیل می دهند و این محیط باید یک محیط سالمی باشد.^(۲۵)

نفس ایجاد کانون خانوادگی و یک کانون جدید، از همه چیز مهمتر است. اساس خلقت بشر چه زن و چه مرد، این طوری



است که باید یک زن و مرد مجتمعاً یک واحدی را تشکیل
بدهند، تا زندگی راحت، بی‌دغدغه و آماده برای جوابگویی به
نیازهای بشر پیش برود. اگر این نشد، یک پایه مهم از زندگی
لنگ است. (۲۶)



اشاره

اينک دختر و پسر عزيز جوان ما خوب مى دانند که هدف اصلى در «ازدواج» و نتيجهٔ عالى اين پيوند مقدس «تشکيل خانواده» است.

در روزگار ما همه از خانواده مى گویند و دغدغهٔ خانواده را دارند. جامعه‌شناسان اولين حلقهٔ شکل‌گيرى بنیان جامعه را خانواده مى دانند. روانشناسان ریشهٔ حالات روانى انسانها را در خانواده جستجو مى کنند. دانشمندان تربيت، نقطهٔ عظيم تربيت را خانواده مى دانند و مصلحان اجتماعى هر نوع تحوّل صلاح‌گرايانه را منوط به خانواده مى دانند و...

بهراستى خانواده چقدر اهميت دارد؟

نظر اسلام در اين باره چيست؟

چگونه مى توان شالودهٔ خانواده را محکم کرد؟

و...

شنيدن سخنان رهبر عزيز به عنوان يک دانشمند برجستهٔ اسلامى و متفکر زمان شناس در ترسيم جايگاه خانواده و نقشه‌هاى گوناگون آن براى جوانانى که در آغاز تشکيل اين نهاد پُرارج هستند، راهگشاست:



کلمه طيبه يا نهاد پاک

خانواده، کلمه‌ای طيبه^۱ است. کلمه طيبه هم خاصيتش اين است که وقتی یک جایی بوجود آمد، مرتب از خود برکت و نيکی می‌تراود و به پيرامون خودش نفوذ می‌دهد. کلمه طيبه همان چیزهایی است که خدای متعال آن را با همان اساس صحيح به بشر اهدا کرده. اينها همه کلمه طيبه است؛ چه معنویات و چه مادیات.^(۲۷)

۱. اشاره به آیه کریمه: ضرب الله مثلاً کلمه طيبه کشجرة طيبه... سورة ابراهيم، آیه ۲۴

سَلُولِ اصلي پيكره اجتماع

همچنان‌که بدن انسان از سلولها تشكيل شده که نابودی و فساد و بیماری سلولها بطور قهري و طبيعي، معنايش بیماری بدن است و اگر توسعه پیدا کند به جاهای خطرناکی برای کل بدن انسان منتهی می‌شود، همین‌طور جامعه هم از سلولهایی تشكيل شده، که این سلولها خانواده‌اند. هر خانواده‌ای یکی از سلولهای پيكره اجتماع و بدنه اجتماع است. وقتی اینها سالم بودند، وقتی اینها رفتار درست داشتند، بدنه جامعه، یعنی آن پيكره جامعه سالم خواهد بود.^(۲۸)

خانواده سالم، جامعه سالم

اگر در جامعه‌ای خانواده مستحکم شد و زن و شوهر حقوق یکدیگر را رعایت کردند و با هم اخلاق خوش داشته و سازگاری نمودند و با همکاری هم مشکلات را برطرف نموده و فرزندان را تربیت کردند، جامعه‌ای که این‌طور خانواده‌ها را داشته باشد، به صلاح خواهد رسید و نجات پیدا خواهد کرد و اگر مصلحی در جامعه باشد می‌تواند این‌طور جوامع را اصلاح نماید. اگر خانواده‌ای نبود، بزرگترین مصلحین هم بیایند نمی‌توانند جامعه را اصلاح کنند.^(۲۹)

هر کشوری که در آن بنیان خانواده مستحکم باشد، بسیاری از مشکلات آن کشور، بخصوص مشکلات اخلاقی و معنوی آن به برکت خانواده سالم و مستحکم برطرف می‌شود یا اصلاً بوجود نمی‌آید.^(۳۰)

این پیوند ازدواج و زناشویی، یکی از نعمات بزرگ الهی و یکی از اسرار آفرینش است و یکی از موجبات بقا و ماندگاری و صحت و صلاح جوامع است.^(۳۱)

تشکیل خانواده اگر به شکل سالمی صورت بگیرد و اخلاق حاکم بر زوجین، صحیح و منطقی و منطبق با اصول شرع، با آنچه که خداوند معین فرموده باشد، این پایه اصلاح جامعه است و پایه سعادت همه افراد جامعه است.^(۳۲)

تشکیل بنای خانواده، یک نیاز اجتماعی است، اگر چنانچه در یک جامعه‌ای، خانواده‌ها درست بودند، سالم بودند، استحکام داشتند، تزلزل نداشتند، حدود و ثغور خانواده محفوظ بود، این جامعه می‌تواند به‌خوبی اصلاح بشود. افرادش می‌توانند رشد فکری پیدا کنند و از لحاظ روحی کاملاً سالم باشند، می‌توانند انسانهایی بدون عقده باشند.^(۳۳)

جامعه بی خانواده، خاستگاه مشکلات روانی

جامعه بی خانواده جامعه آشفته‌ای است، جامعه نامطمئنی است. جامعه‌ای است که در آن موارث فرهنگی و فکری و عقاید نسلها به یکدیگر آسان منتقل نمی‌شود. جامعه‌ای که در آن تربیت انسان به راحتی و روانی صورت نمی‌گیرد. اگر جامعه‌ای خانواده نداشته باشد یا خانواده در آن متزلزل باشد، انسان در بهترین پرورشگاههای خود پرورش پیدا نخواهد کرد.^(۳۴)

خانواده که نبود، نوجوان نیست، کودک نیست، انسان نیست، مرد و زن صالح نیست، اخلاق نیست، انتقال تجربیات مثبت و خوب و باارزش نسل گذشته به نسل بعد نیست.^(۳۵) خانواده که نبود، مرکز تولید ایمان و دین‌باوری دیگر نیست.^(۳۶)

جوامعی که در آن خانواده سست و بی‌بنیاد است یا خانواده‌ای اصلاً تشکیل نمی‌شود یا کم تشکیل می‌شود، یا اگر تشکیل شد متزلزل است و در معرض نابودی و فناست. در این جوامع مشکلات روانی و عصبی بسیار بیشتر از آن جوامعی است که در آنها خانواده‌هایی مستقر هستند و زن و مرد به یک نقطه و کانونی متصلند.^(۳۷)

نسل‌های بی‌حفاظ

خانواده بنیاد بسیار مهم و حائز اهمیتی است. فایدهٔ خانواده در تربیت نسل بشر و ایجاد انسانهای سالم از لحاظ معنوی و فکری و روانی یک فایدهٔ منحصربه‌فردی است. هیچ‌چیز جای خانواده را نمی‌گیرد... وقتی نظام خانواده وجود داشته باشد، این میلیاردها انسان، هر کدامشان دو موکل و دو پرستار ویژه دارند که هیچ‌چیز جای آن دو پرستار را نمی‌گیرد.^(۳۸)

خانواده یک محیط امنی است که در آن چه فرزندان و چه خود پدر و مادر می‌توانند روح و فکر و ذهن خود را در این محیط امن و قابل اعتماد، سالم نگهدارند و رشد بدهند. وقتی خانواده سست شد، نسل‌هایی که همین‌طور پشت سر هم می‌آیند، بی‌حفاظ‌اند.^(۳۹)

انسان برای تربیت است؛ انسان برای هدایت و تعالی و کمال است. این نمی‌شود مگر در یک محیط امن؛ محیطی که در آن عقده به وجود نیاید، انسان اشباع بشود، در آن تعلیمات هر نسلی به نسل بعد منعکس بشود و از کودکی یک انسان تحت تعلیم صحیح، روان، طبیعی و فطری دو معلم که نسبت به او از همهٔ انسانهای عالم مهربان‌ترند یعنی پدر و مادر قرار بگیرد.^(۴۰) اگر خانواده‌ای در جامعه نباشد، همهٔ تربیتهای بشری و همهٔ نیازهای روحی انسانها ناکام خواهد ماند زیرا طبیعت و ساخت بشری این‌گونه است که جز در آغوش خانواده و در محیط خانواده و در آغوش پدر و مادر آن تربیت سالم و کامل و بی‌عیب و بی‌عقده و آن بالندگی لازم روحی پیدا نخواهد شد. انسان زمانی از لحاظ روحی و عاطفی، صحیح و سالم و کامل بار خواهد آمد که در خانواده بار بیاید و در خانواده تربیت شود. اگر محیط زندگی آرام و مناسبی در خانواده حکم‌فرما باشد، می‌توان خاطر جمع شد که فرزندان از لحاظ ساختار عاطفی و



روانی سالم هستند.^(۴۱)
در خانواده، سه دسته انسان اصلاح می‌شوند، یکی مردها که
پدران این خانواده هستند، یکی زن‌ها که مادران این خانواده‌اند
و دیگر کودکان که نسل بعدی این جامعه هستند.^(۴۲)

مختصات خانواده خوب

خانواده خوب یعنی، زن و شوهری که با هم مهربان باشند، باوفا و صمیمی باشند و به یکدیگر محبت و عشق بورزند، رعایت همدیگر را بکنند، مصالح همدیگر را گرمی و مهم بدارند، این در درجه اول.

بعد، اولادی که در آن خانواده بوجود می آید، نسبت به او احساس مسئولیت کنند، بخواهند او را از لحاظ مادی و معنوی سالم بزرگ کنند. بخواهند از لحاظ مادی و معنوی او را به سلامت برسانند، چیزهایی به او یاد بدهند؛ به چیزهایی او را وادار کنند، از چیزهایی او را بازدارند و صفات خوبی را در او تزریق کنند. یک چنین خانواده‌ای اساس همه اصلاحات واقعی در یک کشور است. چون انسانها در چنین خانواده‌ای خوب تربیت می‌شوند، با صفات خوب بزرگ می‌شوند. با شجاعت، با استقلال عقل، با فکر، با احساس مسئولیت، با احساس محبت، با جرئت، جرئت تصمیم‌گیری، با خیرخواهی - نه بدخواهی - با نجابت، خب وقتی مردم جامعه‌ای این خصوصیات را داشته باشند، یعنی خیرخواه و نجیب و شجاع و عاقل و متفکر باشند و قدرت اقدام داشته باشند، این جامعه دیگر روی بدبختی را نخواهد دید.^(۴۳)

خانواده سالم، انتقال فرهنگ

انتقال فرهنگها و تمدنها و حفظ اصول و عناصر اصلی یک تمدن و یک فرهنگ در یک جامعه و انتقالش به نسلهای پی‌درپی، به برکت خانواده انجام می‌گیرد.^(۴۴)

اساس ازدواج و مهم‌ترین مصلحت ازدواج، عبارتست از تشکیل خانواده. علت هم این است که اگر خانواده سالمی در یک جامعه‌ای وجود داشته باشد، آن جامعه سالم خواهد شد و موارث فرهنگی خودش را به‌صورت صحیح منتقل خواهد کرد. در آن جامعه تربیت کودکان به بهترین وجه صورت می‌پذیرد. لذاست که در آن کشورها و جوامعی که خانواده دچار اختلال می‌شود معمولاً اختلالات فرهنگی - اخلاقی بوجود می‌آید.^(۴۵) اگر نسلها بخواهند فرآورده‌های ذهنی و فکری خود را به نسلهای بعدی منتقل کنند و جامعه از گذشته خودش بخواهد سود ببرد، این فقط با خانواده ممکن است. در محیط خانواده است که اول بار، همه هویت و شخصیت یک انسان براساس فرهنگ آن جامعه شکل می‌گیرد و این پدر و مادرند که بطور غیرمستقیم و بدون اینکه تحمیلی باشد، بدون اینکه خود آنها تصنعی به کار ببرند، بطور طبیعی محتوای ذهن و فکر و عمل و معلومات و اعتقادات و مقدسات و اینها را به نسل بعدی منتقل می‌کنند.^(۴۶)

خانواده سالم، آرامش افراد

نگرش اسلام به خانواده، نگرشی درست، نگرشی اصیل و یک نگاه همراه با اهتمام است که خانواده اصل قرار داده شده و به هم زدن بنیان خانواده یا آشفته نمودن آن جزو بدترین کارهاست.^(۴۷)

خانواده در اسلام یعنی محل سکونت دو انسان، محل آرامش روانی دو انسان، محل انس دو انسان با یکدیگر، محل تکامل یک نفر به وسیله یک نفر دیگر، آن جایی که انسان در آن صفا می‌یابد، راحتی روانی می‌یابد، این محیط خانواده است. کانون خانواده در اسلام این قدر اهمیت دارد.^(۴۸)

اسلام در بیان قرآن، در چندجا، این آفرینش زن و مرد و همزیستی اینها و در نهایت زوجیت آنها را برای آرامش و سکن برای زن و مرد شناخته است.^(۴۹)

در قرآن، آیه و جعل منها زوجها لیسکن الیه^۱ آمده است. دو جا در قرآن، تعبیر سکن - تا آن جایی که من یادم هست - وجود دارد.^۲ خدای متعال، زوج آدمی را از جنس او قرار داد، زوج زن را، زوج مرد را از جنس خود او قرار داده، «لیسکن الیها» تا اینکه آدمی بتواند - چه زن و چه مرد - در کنار شوهر یا همسر، احساس آرامش کند.^(۵۰)

این آرامش، سکونت و نجابت از تلاطمهای روحی و اضطرابهای زندگی است. میدان زندگی، میدان مبارزه است و انسان در او دائماً در معرض نوعی اضطراب است، این بسیار چیز مهمی است. اگر این آرامش و سکونت به نحو صحیحی تحقق پیدا کند، زندگی سعادت‌مندانه می‌شود، زن خوشبخت

۱. سورة اعراف، آیه ۱۸۹

۲. و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم أزواجاً لتسکنوا الیها... سورة روم، آیه ۲۱

می‌شود، مرد خوشبخت می‌شود، بچه‌هایی که در این خانه
متولد می‌شوند و پرورش می‌یابند، بدون عقده رشد خواهند
یافت و خوشبخت خواهند شد. یعنی از این جهت، زمینه برای
خوشبختی همهٔ اینها فراهم است.^(۵۱)

انسان که ماشین نیست!

وقتی که زن و شوهر در پایان کار روزانه یا در وسط روز بهم می‌رسند، و همدیگر را می‌بینند، هر دو از هم توقع دارند که توانسته باشند محیط را شاد، سرزنده، قابل زیست و رفع‌کننده خستگی ساخته باشند. این توقع بجایی است. اگر چنانچه بتوانید این کار را بکنید، زندگی شیرین می‌شود.^(۵۲)

انسان در تلاطمهای زندگی که ناشی از برخوردهای ناگزیر است، به دنبال یک فرصت می‌گردد تا به آن پناه برد. اگر یک زوج باشند، در این تلاطمها به یکدیگر پناه می‌برند، زن به شوهرش پناه می‌برد و شوهر هم به زنش پناه می‌برد. مرد در کشاکش زندگی مردانه خود، احتیاج به یک لحظه آرامشی دارد تا بتواند راه را ادامه بدهد. آن لحظه آرامش کی است؟ همان وقتی است که او در محیط سرشار از محبت و عطوفت خانوادگی خودش قرار می‌گیرد. با همسر خودش که به او عشق می‌ورزد، با اوست، در کنار اوست و با او احساس یگانگی می‌کند. وقتی با همسر خود مواجه می‌شود، این همان لحظه آسایش و آرامش است.^(۵۳)

زن هم در کشاکش زندگی زنانه خود، با بحراناها و با تلاطمهایی مواجه می‌شود. چه در محیط بیرون از خانه مشغول تلاش و فعالیت و کارهای گوناگون سیاسی و اجتماعی و... باشد یا در داخل خانه مشغول باشد که زحمت و اهمیتش کمتر از کار بیرون نیست. حالا زن در این کشاکش به تلاطمهایی برخورد می‌کند و چون روح او ظریفتر است، بیشتر به آرامش، به آسایش، به تکیه کردن به یک شخص مطمئن احتیاج دارد. او کیست؟ او شوهر است.^(۵۴)

انسان که ماشین نیست، انسان روح است، انسان معنویت است، انسان عواطف و احساسات است. حالا می‌خواهد آرامش



پیدا کند. این آرامش کجاست؟ محیط خانواده است.^(۵۵)
محیط خانواده، محیط آرامش است. باید محیط آرامش
باشد. این عاطفه‌ای که در زن و مرد نسبت به هم وجود دارد، به
این آرامش درونی کمک می‌کند. این سکونت، این آرامش، به
معنای آرامش در مقابل حرکت نیست، حرکت خوب است؛ این
به معنای آرامش در مقابل تلاطم است.
انسان گاهی در زندگی‌اش دچار تلاطم می‌شود. همسر، یک
آرامشی به انسان می‌دهد که متلاطم نباشد. این در صورتی
است که فضای خانه، فضای متلاطمی نباشد.^(۵۶)

خانواده آرامتر با بهره‌وری بیشتر

هر انسانی - هم زن و هم مرد - در طول زندگی، در شبانه‌روز مشکلاتی دارد و با پیش آمدها و حوادثی مواجه است. این حوادث اعصاب را می‌کوبد و خسته می‌کند. انسانها را دچار ناآرامی و سراسیمگی می‌کند. وقتی وارد محیط خانواده شد، این محیط امن و امان به او تجدید قوا می‌بخشد. او را آماده یک روز دیگر و یک شبانه‌روز دیگر می‌کند. خانواده برای تنظیم زندگی انسان خیلی مهم است. البته خانواده باید خوب اداره بشود، باید سالم اداره بشود.^(۵۷)

این بهره‌ای که مرد و زن از این خانواده آرام می‌برند، بهره کاری آنها را در بیرون خانواده بالا می‌برد، به آن اهمیت و ارزش می‌دهد، آن را باارزش و باکیفیت می‌کند.^(۵۸) فرصت ازدواج و آرام گرفتن در یک مجموعه خانواده، یکی از فرصتهای مهم زندگی برای مرد و زن است. این یک وسیله آسایش، آرامش روحی، وسیله دلگرم شدن به تداوم فعالیت زندگی است، وسیله تسلی، وسیله پیدا کردن یک غمخوار نزدیک است، که برای انسان در طول زندگی بسیار لازم است.^(۵۹)

فرصتی برای تجدید قوا

در داخل خانواده است که مرد و زن - که زوجین هستند - می‌توانند تجدید قوا کنند، می‌توانند همت خودشان را برای ادامهٔ راه آماده کنند. می‌دانید که زندگی یک مبارزه است، کل زندگی عبارتست از یک مبارزهٔ بلندمدت، مبارزه با عوامل طبیعی، مبارزه با موانع اجتماعی، مبارزه با درون خود انسان که مبارزه با نفس است. دائم انسان در حال مبارزه است. بدن انسان هم در حال مبارزه است. جسم انسان هم دائم دارد با عوامل مضر مبارزه می‌کند، قدرت این مبارزه وقتی در جسم باشد، جسم سالم است. در انسان، این مبارزه باید صحیح، منطقی، در جهت درست، با رفتارهای صحیح و با ابزارهای درست باشد. این مبارزه گاهی یک استراحت و یک باراندازی لازم دارد. این یک سفر و یک حرکت است. این نقطهٔ استراحت، داخل خانواده است.^(۶۰)

احترام به قرارداد زناشویی

خانواده یک قرارداد است، یک امر طبیعی نیست که دو چیز را به هم وصل کرده باشند. نه! یک قرارداد است. یک امر اعتباری است. ماندن او بسته به این است که طرفین قضیه و جامعه و قانون آن را محترم بشمارند. اگر به آن بی‌اعتنایی کردند، باقی نمی‌ماند.^(۶۱)

غريزه جنسي، نياز متقابل

اسلام همين غريزه جنسي را پشټوانه بنای خانواده قرار داده است، يعنی، وسيله استحکام خانواده قرار داده است. يعنی چه؟ يعنی وقتی زن و مرد عفيفاند و متدين و خداترس اند و طبق دستور اسلام از گناه در باب غريزه جنسي اجتناب می کنند، طبعاً نياز زن و مرد به يکديگر در اين مورد بيشتر خواهد شد. وقتی به هم زيادتر احتياج داشتند، اين بنای خانواده که پايه اصلی اش زن و مرد است، مستحکم تر خواهد شد.^(۶۲)

اسلام می خواهد اين پشټوانه را از خانواده نگیرد. اسلام می خواهد اين انسانها بيرون از محيط خانواده اين غريزه را اشباع نکنند، تا نسبت به خانواده بی قيد و بی اعتنا و لالابالی بشوند، لذاست که جلوی راه را سد می کند.^(۶۳)

تدین؛ رمز مانایی خانواده

در بنا و تشکیل خانواده و در حفظ خانواده، باید این احکام اسلامی را رعایت کرد تا خانواده باقی بماند. لذا شما در خانواده‌های متدین که زن و شوهر به این حدود اهمیت می‌دهند، می‌بینید که سالهای متمادی با هم زندگی می‌کنند. محبت زن و شوهر به یکدیگر باقی می‌ماند و جداییشان از هم سخت است و دل در گرو محبت یکدیگر دارند. این حسن و این محبت‌هاست که بنای خانواده را ماندگار می‌کند و لذا اسلام به این چیزها اهمیت داده است.^(۶۴)

اگر روشهای اسلامی رواج پیدا کند، خانواده‌ها مستحکم خواهد شد. همچنان که در گذشته‌های ما - نه در دوران منحوس پهلوی - آن وقتیایی که هنوز ایمان مردم سالمتر و کاملتر و دست‌نخورده‌تر بود، در زمان قدیم، خانواده مستحکمتر بود. زن و شوهر به هم علاقه‌مندتر بودند، فرزندان در محیط‌های امن و امان بیشتری پرورش پیدا می‌کردند. حالا هم راه همین است. آن خانواده‌هایی که جهات اسلامی را رعایت می‌کنند، اینها غالباً خانواده‌هایی محکم‌تر، بهتر، قوی‌تر و محیط امن‌تری برای فرزندان و کودکان خواهند بود.^(۶۵)

نقش زن و شوهر

دختر و پسر بايد سعی کنند اين پيوند را پاسداري کنند. وظيفه يکي از آنها هم نيست که بگوئيم هر کاري يکي کرد ديکري تحمل کند. نه، بايد هر دو به هم کمک کنند تا اين کار صورت گيرد.^(۶۶)

نمی شود بگوئيم شوهر سهم بيشتري دارد يا زن سهم بيشتري دارد، نه، هر دو در حفظ اين بنيان و در حفظ اين اجتماع دو نفره، که بعدها به تدريج زياد می شود، نقش دارند.^(۶۷) از هر چيزی که محيط خانواده را متشنج و دچار افسردگی و هيجانهای بی مورد نمايد، اجتناب کنيد. هم زن و هم مرد بنا را بر سازش و همزيستی و همراهی بگذارند. آنچه در خانواده خيرات وجود دارد، مال زن و شوهر است و در نهايت مال فرزندان است، مال يک طرف نيست. اگر خدای ناکرده در محيط خانواده بی محبتی و عدم اطمینان و صميميت باشد، رنجش مال هر دو طرف است.^(۶۸)

در استحکام بنيان خانواده، خود زن و شوهر بيشتري نقش را دارند. با گذشت خودشان، با همکاری خود، با مهربانی و محبت و اخلاق خوب خودشان - که از همه مهمتر هم محبت است - می توانند اين بنا را ماندگار و اين سازگاری را هميشگی بکنند.^(۶۹)

خانواده در جوامع اسلامی

در محیط اسلامی، زن و شوهر با هم‌اند، متعلق به هم‌اند، در مقابل هم مسئول‌اند، در مقابل فرزندان مسئول‌اند، در مقابل محیط خانواده مسئول‌اند. ببینید از نظر اسلام خانواده این‌قدر مهم است.^(۷۰)

در محیط‌های اسلامی، خانواده آنچنان مستحکم است که گاهی دو نسل هم می‌گذرد و می‌بینید پدر بزرگ و پدر و نوه در یک خانه دارند با هم زندگی می‌کنند. این چقدر ارزش دارد؟ نه اینها از آنها سیر می‌شوند، نه آنها با اینها بد می‌شوند. همه به کمک هم می‌آیند.^(۷۱)

در جوامع اسلامی، یعنی جوامع متدین و مذهبی، مشاهده می‌کنیم که دو نفر آدم مدت طولانی با هم زندگی می‌کنند و اصلاً از هم سیر نمی‌شوند، بلکه دلبستگی‌شان به هم بیشتر می‌شود، انس و محبت و وفایشان به همدیگر بیشتر می‌شود، این همان خاصیت تدین و دینداری و مذهبی بودن و جهات خدایی را رعایت کردن است.^(۷۲)

در اسلام و در فرهنگ اسلامی، خانواده با دوام است. توی خانواده پدر بزرگها و مادر بزرگها و پدر و مادر هستند، نوه‌ها و نتیجه‌هایشان را می‌بینند... سنتها را به هم منتقل می‌کنند. نسل گذشته موارث خودش را به نسل بعد تحویل می‌دهد. بریده و بی‌ریشه و تنها و بی‌عاطفه بار نمی‌آیند.^(۷۳)

خانواده ایرانی، الگوی جهانی

بحمدالله، در کشور ما و در بسیاری از جوامع شرقی، بخصوص جوامع اسلامی، هنوز کمر بند خانواده محفوظ است. آن پیوند خانوادگی، بحمدالله هست. آن صمیمیت و صفا و محبت هست. زن دلش برای مرد خود می‌طپد، مرد هم دلش برای زن خودش می‌طپد، یکدیگر را از اعماق دل دوست دارند و زندگی صمیمی دارند. در جاهای دیگر این چیزها خیلی کم است. در کشورهای ما بخصوص در ایران، این زیاد است. این را تأمین کنید.^(۷۴)

اشاره

برای تقویت حسّ قدرشناسی و سپاسگزاری نسبت به آنچه داریم، یک راه میان‌بر وجود دارد و آن دیدن حال و روز کسانی است که از آن بی‌بهره و یا کم‌بهره‌اند.

برای پاسداشت نعمت بزرگی که هنوز از آن بهره‌مندیم، خوب است نیم‌نگاهی داشته باشیم به جوامعی که به این نعمت ممتاز خداوندی با عناوینی گوش‌نواز و دل‌فریب چوب حراج زدند و امروز تازیانه عذاب این گناه کبیره بر سر و روی افسرده‌شان نواخته می‌شود. «غرب» را می‌گوییم! یعنی همان سرزمین تاریکی که مدتهاست خورشید عشق از آسمان زندگی مردمانش غروب کرده است، و تمتای یک جرعه عاطفه را در چشمان کم‌فروغشان می‌توان دید. بحران خانواده، طوفان خشم الهی است که طومار خوشبختی مردمان این غربتکده را درهم می‌پیچد. دل‌مان برایشان می‌سوزد. کاش می‌شد برایشان کاری کرد. اما خیلی دیر شده است. بهتر است به فکر خودمان باشیم و از حال کسانی که حرمت خانواده را شکستند و با طوفان شیطانی شهوت مه‌ار نشده تار و پود سعادت خود را گسستند، عبرت بگیریم. آنها به ما حسودی می‌کنند. از حسود باید ترسید. از حسود باید به خداوند پناهنده شد: و من شرّ حاسدٍ إذا حسد^۱.

دیدن عمق فاجعه آسان نیست. هنر غربیان در بَرک کردن و سانسور و پوشش نامرئی پشت صحنه زندگی تباهشان زبانزد است.

نگاهی عمیق می‌خواهد و دیده‌وری ژرف‌نگر تا از عمق فاجعه پرده بردارد! چه کسی بهتر از «آقا»ی عزیزمان!

۱. سورة فلق، آیه ۵